

عنوان درس: تاریخ و سیره معصومین

استاد پورامینی

جلسه یازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

در مسأله اصل مهدویت با اهل سنت اختلاف نداریم فقط شیعه می گوید: به دنیا آمده است و آنها می گویند صیلولة، به دنیا خواهد آمد، این را زیاد مطرح می کنند و ما می خواهیم بگوییم این قضیه کلیت ندارد، نسبت به ما که ثابت شده است به اینکه حضرت در سال 255 هجری به دنیا آمد و این هم از جهت تاریخی مُسَلَّم است و هم از جهت عقیدتی، ما خلأ و زمانی را نداریم که زمین از وجود حجّت خالی باشد، لولا الحُجَّة لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، لذا در هر دوره زمانی باید حجّت خدا باشد، در وفات امام عسکری سال 260 که حدود 5 سال از زندگی ایشان می گذشت.

وهابی ها می گویند: مهدی ما از نسل امام حسن است و مهدی شما از نسل امام حسین است.

کتاب مُعْجَم الْأَحَادِيثِ إِمَامِ مَهْدِي (عجل الله) را حتماً ببینید، 7 جلدی است.

آیا همه اهل سنت در خصوص ولادت می گویند: امام زمان صیلولة یا نه بینشان کسانی هستند که قائل به ولادت امام زمان هستند؟! بله هستند به عنوان مثال ونمونه: کتاب

مقال السئول فی مناقب آل الرسول کمال الدین محمد بن طلحه شافعی، متوفی 652، ص 152؛ محمد بن حسن الخالص ابن علی متوکل به اعتبار اینکه یکی از القاب امام هادی است ابن محمد قانع به اعتبار اینکه یکی از القاب امام جواد است ابن علی الرضا ابن موسی کاظم ابن جعفر الصادق ابن محمد الباقر ابن علی زین العابدین ابن حسین الزکی ابن علی المرتضی امیرالمؤمنین ابن أبیطالب المهدي الحجة الخلف الصالح المنتظر علیهم السلام و رحمة الله و برکاته این عین عبارت اوست،

دیدم شیخ علی جمعه مفتی قبلی مصر بود که الآن نیست و آدم نسبتاً منصف و معتدلی است و قابل قیاس با وهابی ها نیست در برنامه تلویزیونی می گفت این لفظ منتظر را ما اصلاً نداریم و شیعه ها می گویند، خوب این یک نمونه است عالم سنی شافعی قرن هفت می گوید: الحجة الخلف الصالح المنتظر، قشنگ تفسیر می کند با نام که پسر امام حسن عسکری است.

اما ولادتشان فی سرّ من رأی یعنی در سامراء است فی سنة فی ثالث و عشرين رمضان سنة ثمان و خمسين ومئتين هجرت، حالا این یک اختلاف... در 23 ماه رمضان سنه 258، این اختلاف در سنة است، در تاریخش موافق نیستیم ولی نزدیک است و اینکه اصل ولادت را قبول دارد، بعد هم می گوید: نسبه ابن و أمماً امام حسن عسکری تا آخر و اسم مادرش را هم می گوید و کنیه و لقب را هم می گوید و قيل المنتظر بعد هم روایاتی نسبت به امام زمان که المهدي الولد الفاطمه را می آورد و اسمُه اسمی و همنام من است.

بعد هم می گوید: عمرش زیاد است و مخفی شده تا امروز و بعد هم مطلبی راجع به عمر طولانی بیان می کند.

گنجی شافعی که ابن صباغ مالکی از او نقل می کند که تعبیر به امام حافظ دارد و بعد می گوید که: امام هادی فرزندی دارد به نام حسن و بعد متعرض فرزند امام حسن عسکری می شود و از او تعبیر به امام منتظر می شود. الفصول المهمة ج 2 ص 1095.

در فصل دوازده می گوید: فی ذکر ابوالقاسم الحجة ... فهو امام ثانی عشر، بعد هم می گوید متولد شده است.

و کسی دیگر که تصریح به ولادت می کند سبط بن جوزی است، کتابی دارد به نام تذكرة الخواص، در شرح حال امام حسن عسکری اولادشان را بیان می کند و ذکر امام مهدی را دارد به همان نام که نام پیغمبر است تا آخر و کنیه ایشان و تعبیری که فهو خلف الحجة صاحب الزمان القائم المنتظر و التالی، این تعبیرش است...

یکی دیگر از کسانی که تصریح به ولادت دارد، مُحی الدین عربی همان عارف معروف است در فتوحاتش باب 366 راجع به حضرت مهدی دارد، به اینکه زمین را مملو از قسط و عدل خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده و از دنیا یک روز باقی بماند آن را خدا طولانی می کند تا او ظهور کند بعد می گوید: حتی یلی ذلک الخلیفة وهو من عترة رسول الله من وُلد الفاطمه جدّه الحسین بن علی بن ابیطالب و والده الحسن العسگری ابن امام علی النقی ابن امام محمد تقی ابن امام الرضا... تا آخر؛ و مفصل راجع به حضرت دارد.

ابن عربی هم تصریح به ولادت و اینکه پدر او امام حسن عسکری است کردند.

ششم، ابوالمَواهب عبدالوهاب ابن احمد ابن علی الشعرانی صاحب کتاب یواقیت: حضرت در نیمه شعبان سنة 255 است و باقی است تا وقتی که با حضرت مسیح باهم می آیند و او فرزند امام حسن عسکری است.

نفر بعدی نورالدین عبدالرحمن بن احمد جامی حنفی شاعر است، آسید محسن امین نقل می کند از کتاب برهان علی وجود الصاحب الزمان که از کتاب مرآة الأسرار جامی که به زبان فارسی است نقل می کند، آنجا دارد که اسم حضرت مهدی را می آورد به اینکه امام دوازدهم است و مادرش نرگس است و ولادتش در شب جمعه 15 شعبان سنة 255 و یک روایتی هم است 258 در سامرا است و القابش مهدی، الحجة، قائم، منتظر،

صاحب الزمان، خاتم الإثنی عشر و تصریح دارد وقت وفات امام حسن عسکری سنشان 5 سال بود و بعد می گوید تعجب نکنید قضیه اش مثل قضیه یحیی و حضرت عیسی است که در کودکی خدا به او کرامت داد، این حرف جامی حنفی است که مرحوم آسید محسن امین در کتابش آورده است.

یکی دیگر از کسانی که تصریح دارد، حافظ محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا که از علمای حنفی است و از بزرگان نقشبندی در صوفیه است، کتابی بنام فصل الخطاب دارد که قضیه امام حسن عسکری و همچنین ولادت حضرت را در آنجا بیان می کند و اینکه ولادت حضرت در نیمه شعبان سال 255 بوده است.

در ینابیع المودة فصلی را به همین بحث باز کرده است و عبدالرحمن بسطامی در ینابیع از او نقل کرده است که نسبت به ولادت حضرت همین حرف را زده است.

آنهايي که مَشِي تصوف دارند در اهل سنت در این قضیه خیلی خاضع و خاشعند و نوعند همراه هستند...

جلال الدین رومی صاحب مثنوی اشعاری دارد که نام حضرت مهدی را دارد، ای سرور مردان علی مَسْتان سلامت می کند... تا می رسد به آنجا که با قاتل کفارگو با دین و دیندارگو با حیدر کرارگو مَسْتان سلامت می کند... تا می رسد به اینجا با زین دین عابد گو با نور دین باقر بگو با جعفر صادق بگو مَسْتان سلامت می کند... با آن ولی مهدی بگو مَسْتان سلامت می کند... خلاصه دوازده امام را در این شعر ذکر می کند...

عطار نیشابوری هم در اشعار خود حضرت مهدی را نام می برد، مهم این است که در مثل مثنوی به ترتیب ائمه را ذکر کرده است و فقط ذکر امام مهدی به تنهایی نیست، وقتی در اعداد می آورد و ترتیب را رعایت می کند معلوم می شود که همین دوازده هستند.

مُلاحسین کاشفی صاحب کتاب روضة الشهداء که خودش از اهل سنت است وقتی به امام زمان می رسد می گوید محمد بن حسن عسکری الإمامِ اثنی عشر کنیه اش ابوالقاسم و ولادتش در سُرِّ مَنْ رَأَى است.

إبن حجر هم در صواعقِ خود بعد از قضیه امام حسن عسکری مطلبی راجع به حضرت مهدی دارد.

إبن عثیر در تاریخش ج 7 ص 9 در وقایع سال 260 می نویسد: امام حسن عسکری در آن سال وفات یافت و او یکی از ائمه دوازده گانه از مذهب امامیه هست و او پدر محمد است که شیعه ها منتظر او هستند از سرداب، که این هم از دروغ های آنان است این طور نیست که از سرداب بیرون بیاید، ابتدای غیبت از آنجا بوده معنایش این نیست که ظهور هم از آنجا باشد بلکه ظهور از مکه است، وی تصریح می کند که وُلد امام حسن عسکری است.

یاقوت حموی در مُعجم البلدان در مَعسکر سامرا قضیه امام حسن عسکری را می گوید و وفات حضرت را در رجب 254 ذکر می کند.

یکی دیگر از کسانی که راجع حضرت مطلب دارد شبراوی در الإطحاف فی حُبِّ الأشراف ص 179 می گوید: الثانی عشر من الأئمة ابوالقاسم محمد الحُجَّة قیل هو مهدی المنتظر و فرزند امام حسن خالص است در سُرِّ مَنْ رَأَى لیلۃ نصف من شعبان سنة 255 قبل موت أبی بخرمس سنین، تصریح به ولادت دارد.

یکی دیگر از علمای اهل سنت حمطاوی است در مشارق الأنوار که نقل از یواقیت الجواهر می کند که المهدی من وُلد الإمام حسن عسکری و ولادتش در نیمه شعبان سنة 255 ، و زنده است تا وقتی که با حضرت عیسی همراه خواهد شد.

یکی دیگر زهبی است که در سیر و در غیر سیر هم باید باشد، یک تاریخ الإسلام هم دارد

که در حوادث سنة 261 می گوید: «مات الحسن بن علی ابن الجواد ابن الرضا العلوی أحد أئمة إثني عشر اللذين تعتقد الرافضة عصمتهم و هو الوالد منتظرهم محمد بن الحسن (علیه السلام)، این پدر کسی است که شیعه ها منتظرش هستند.

حدود 100 نفر از علمای اهل سنت هستند که تصریح به ولادت حضرت حجت کرده اند، که در کتاب الشیعه و الرجعة نقل کردم، ج 1 ص 98 به بعد می باشد.

خلاصه و نتیجه بحث این است که:

اینی که گفته شده که فرق ما با اهل سنت در این است که ما می گوئیم به دنیا آمده است و آنها می گویند بعدها به دنیا می آید نه اینطور نیست، عده ای از آنها این را می گویند ولی عده ای هم در بین آنها وجود دارد که مثل ما می گویند و او را فرزند امام عسکری می دانند گرچه در عقیده مثل ما نیستند ولی همین مقدار برای ما کفایت می کند که قول اهل سنت یک کلمه واحد نیست و ما پی این هستیم، آنها یک کلمه واحد نیستند که بیایند بگویند مهدی ما به دنیا نیامده و مهدی شما به دنیا آمده است...

حضرت در سنة 255 . هجری به دنیا آمد و در سن 5 سالگی بار امامت را به دوش کشید و بعد هم غیبت صغری و غیبت کبری را داشتند که اینجا بحث طول عمر مطرح می شود که مگر می شود کسی این همه عمر کند؟!

در جواب از چند جهت باید مورد توجه قرار بدهیم:

آیا مسأله عمر طولانی امری است که استبعاد عقلی دارد و عقل نمی پذیرد و جزء مُمتنعات مثل: اجتماع و ارتفاع نقیضین است؟ از وجودش عدمش بوجود می آید؟ چه محذوریتی دارد؟ جزء ممتنعات است یا جزء ممکنات؟ حداقلش این است که بگویید ممکن است، بوعلی سینا می گوید: هرچیزی که شنیدی بگو ممکن است مگر برهان بر عدم امکانش قائل بشود. پس همین که جزء محالات نیست و جزء امکانات است اگر

عقلی بیاییم جلو پس ممکن است.

وقتی امکان عقلی اش را مطرح کردیم حالا سراغ وقوعش می رویم.

بله واقع شده به چند جهت: هم به حکم عقلی و هم از جهت وقوع امکان دارد، از جهت وقوع ممکن است باز هم دو جنبه دارد: یکی از جهت طبّی و پزشکی است که آیا علم روز این را نفی می کند یا نه؟ آیا عمر طولانی داشتن را علم طبّ نفی می کند یا نه؟؟؟

اتفاقاً سالیان درازی است دارند کار می کنند که ما چکار کنیم تا عمر طولانی داشته باشیم؟ تصریح می کنند به اینکه محیط زیست و تغذیه مناسب داشته باشیم بشر می تواند عمر طولانی کند، همین الان هم نسبت به 20 یا 30 سال قبل عمر نوع مردم با این همه گرفتاری بیشتر شده است، پس این یک امری است که علم و طب آن را نفی نمی کند و تصریح می کند که اگر شرایط و اسباب و محیط زیست جور باشد و تغذیه مناسب باشد برای بشر این امکان را دارد که عمر طولانی داشته باشد... این از یک جهت.

قضیه اینطور شد که مُمتنع نیست و امکان وقوع هم به حسب ذات و طبعش دارد.

این بحث وقوع در خارج که آیا واقع شده است یا نه؟ به تصریح قرآن و روایات و منقولات تاریخی وقوع هم دارد.

وصلی الله سیدنا محمد و آل محمد